

شکایت بموجب اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ریاست مجلس شورای اسلامی
جناب آقای علی اکبر ناطق نوری

محترماً بدانید که بمصداق حدیث نبوی **الملك یقی مع الکفر و لایقی مع الظلم**، لازمه بقا و پیشرفت هر ملتی، عدالت اجتماعی است، و نظام عدل بقوانین است، و بانی و حامی قانون مجلس شوری است، و هرکه تکیه بر مسند ریاستش زد مسئولیتی خطیر متقبل شد. و از اینان یکی عبدالله ریاضی -غفرله- بود، که پیشتر، استاد دانشکده فنی بود، و در بین اساتید حرمتی والا داشت و بر سر دانشجویان منتهی بسزا. اما چون ریاست مجلس پذیرفت و لوث تدریجی قانون را دید، دم فروبست و در کار خود اهمال کرد تا رفت بر سر او آنچه رفت. و این زمان، ریاست مجلس با شماست. و بدانید که بغیر از وضع قوانین، مجلس را دو وظیفه دیگر هم هست : نظارت بر اجرای قوانین و جلوگیری از تعدد منابع قانون گذاری. چه اگر قانون رعایت نشود و یا قوانین ضد و نقیض از چپ و راست برخیزند، حرمت قانون ناچیز شده و راه تعدی و زورگویی باز میشود. و امروز، پس از گذشت پانزده سال از انقلاب ، قانون کماکان بی حرمت است چون دادستان "مال ستان" شده و در طلب نامشروع مال مشروع ، احکام باطله صادر میکنند. ناگزیر اقتصاد نابسامان است و اوضاع پریشان. پیوست (۱) نمونه ایست از احکام صادره ایشان، فضاحت بار و سراسر کذب و ندانم کاری، و پیوست (۲) جواب منست بر آن حکم. اگر این است نمونه ای از عدل دولت جمهوری اسلامی ایران ، وای بر عدل

و، وای بر دولت و، وای بر جمهور و، وای بر اسلام و، وای بر ایران. مرده را متهم به غیبت کرده، و در خلقت خالق شریک شده و دختری برایم خلق کرده که او را هم بلافاصله متهم به غیبت کرده است، و سهامی که بنا به "قانون حفظ و توسعه صنایع ایران" ملی شده است و متعلق بدولت، حواله بنیاد مستضعفان کرده. از اشتباه وافتراء که بگذریم، حکم دادستانی ناقض اصولی است که صیانت از آن مسئولیت جنابعالی است:

۱- اول اصل مالکیت است که بنا به دعوی دادستان، بسبب "گزیدن (کذا!) رحل اقامت در دیار کفر" منسوخ میشود. بموجب اصل ۴۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مالکیت مشروع محترم است. چون اموال مورد طمع موروثیند و مشروع، تهمت عدم مشروعیت وصله ناجور بود و مستمسکی دیگر میبایست. از اینرو دوری از وطن و اقامت در "دیار کفر" را عنوان کرده اند که مفاهیم گنگ و نا مشخصند.

اگر دوری از وطن جرم است، قانونی باید با شرایط مشخص، و اگر ایرانی نباید پا به "دیار کفر" بگذارد، قانونی باید که این دیار کجاست و مجازات رفتن بدانجا چیست. و اگر نیت استفاده از قانون اساسی سابق است که بموجب آن بر اثر ترک تابعیت ایرانی، املاک شخصی، تحت مقررات خاص، بفروش میرسند و وجوه حاصله تسلیم مالک آن میشوند، بدانند که علیرغم چهارده سال اقامت در خارج، کماکان ایرانییم و هیچ تابعیت دیگر نپذیرفته ام.

۲- پس از عنوان جرائم واهی، دادستان در حکم خود استناد به "فرمان مورخ ۷۰۷۸۱۷ مقام معظم رهبری" کرده است. برای بنده که مدتی از وطن دور بوده ام، این جمله طنین "فرمان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر" دارد، همان فرمانهای حقیقی یا مجازی که بتدریج حرمت قانون را از بین بردند و حالا هم مستمسک دستبرد به مال مردم قرار میگیرند.

اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی را برای صدور حکم مکلف باستناد به "قوانین مدونه" و یا عنداللزوم به "منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر" کرده است. آنچه که دادستان فرمانش مینامد نه مدون است و نه در دسترس عموم، احتمالاً دستخطی است از مقام رهبری در حاشیه سؤالی در باره مورد خاصی از اموال متروکه که دادستان و ایادیش مزورانه فرمانش میخوانند و تسری به مواردی غیر از موضوع دستخط میدهند. دستخط هر چه باشد نه از "منابع معتبر اسلامی" است و نه هنوز از "فتاوی معتبر" زیرا که اعتبار هر یک، به عمومیت و اعلام آن است و نه به خصوصیت و کتمان آن. و بدانید که جلوگیری از عنوان منابع نا معتبر و تعدد مآخذ قانون، از اهم مسئولیتهای شماسست و قصور در آن جایز نه.

۳- دادستان، بنیاد مستضعفان را تکلیف کرده تا خمس اموال را پس از فروش کسر و به حساب ۳۴۶۶ بانک ملی واریز کنند. اگر پرداخت خمس اجباری شده، اعم از اینکه مال موروثی است یا اکتسابی، سرمایه است یا منفعت، و اختیار وصولش در دست دادستان است و او وکیل و وصی "خویشان و یتیمان و مساکین و ابن سبیل" شده، قانون یا فتاوی معتبری باید تا همه آنها را رسماً تأیید کند و مسلمین عالم را بشارت دهد که شرائط خمس من بعد چنین است.

این شکایت بموجب اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تسلیم ریاست مجلس شوری میشود تا ریاست قوه قضائیه را استیضاح کرده خواستار توییح و توقیف خاطی بشوند. همچنین تا زمانیکه قوانین مذکور در فوق بتصویب نرسند (و اطمینان دارد که مجلس شوری و شورای نگهبان هیچگاه زمینه قانونی برای این احکام شرم آور فراهم نخواهند کرد) این حکم و کلیه احکام بی اساس مشابه باید لغو شوند. و چون بموجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قاضی مقصر "طبق موازین اسلامی ضامن است"، خسارات وارده را

هو

دادستان باید شخصاً جبران کند و تتمه آن بموجب همان اصل بعهده دولت است. منتظر
جواب است.

کمیته شهروند مقیم به "دیار کفر"

ابوالعلاء سودآور

هوستون - ۱۱ شهریور ۱۳۷۳